



## رابطه سبک‌های فرزند پروری با خودکارآمدی در دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر تهران

علی اسماعیلی<sup>۱</sup>، عیسی جعفری<sup>۲</sup>، مریم خرازیان<sup>۳</sup>، رسول حشمتی<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش، بررسی ارتباط سبک‌های فرزندپروری با خودکارآمدی در دانش‌آموزان بود. روش این پژوهش، توصیفی - همبستگی و جامعه آماری آن کلیه دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر تهران بود. داده‌های تحقیق از ۱۲۰ دانش‌آموز که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند، جمع‌آوری گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه پرسش‌نامه فرزندپروری یانگ (YPI) و پرسش‌نامه خودکارآمدی عمومی شرر استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که شیوه فرزندپروری با خودکارآمدی رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه با خودکارآمدی ارتباط مثبت معنادار، با شیوه فرزندپروری مستبدانه ارتباط منفی معنادار وجود دارد و با شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه رابطه منفی وجود دارد.

**کلید واژه‌ها:** سبک‌های فرزند پروری، خودکارآمدی، دانش‌آموزان

### مقدمه

از آنجا که خانواده در رشد و پرورش اجتماعی کودک نقش بسزایی دارد به طوری که روابط میان والدین و کودک، انتظارات و واکنش‌های کودک را در روابط اجتماعی آینده طرح‌ریزی می‌نماید، پس محیطی که کودک در آن رشد می‌کند جایگاه ویژه‌ای دارد چراکه شخصیت کودک و سلامت اجتماعی و جسمانی او در آنجا پایه‌ریزی می‌شود. بنابراین والدین و دیگر اعضای خانواده می‌توانند کودک را به هر شکلی که می‌خواهند تربیت کنند و افراط و تفریط در شیوه تربیتی‌شان منجر به رشد نقایص پرورش و رفتاری ناهنجار در کودکان می‌شود (باقری، ۱۳۷۲). نظارت و کنترل بخشی از فرایند تربیت فرزندان توسط والدین است که تعیین‌کننده شیوه فرزند پروری است (احمدی، ۱۳۸۷). هر خانواده شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش بکار می‌گیرد. این شیوه‌ها که شیوه‌های فرزند پروری نامیده می‌شود متأثر از عوامل مختلفی از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره است (হারدی<sup>۵</sup> و همکاران، ۱۹۹۳). بنابراین نگرش‌ها، اعتقادات و رفتارهای والدین که در قالب الگوی خانوادگی یا شیوه‌های فرزند پروری نمود پیدا می‌کند عامل بسیار مهمی در تکوین شخصیت و تثبیت خصوصیات اخلاقی و

<sup>۱</sup> استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد واحد بین الملل کیش

<sup>۴</sup> استادیار دانشگاه تبریز، تبریز، ایران



توانایی‌های فردی، اجتماعی و شخصیتی است (کارگر شولی و پاک نژاد، ۱۳۸۲). یکی از متغیرهای روانشناختی که ممکن است متأثر از شیوه‌های فرزندپروری باشد، خودکارآمدی است.

خودکارآمدی از دید بندورا قضاوت افراد در مورد توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایشان جهت انجام تکلیف خاص می‌باشد. خودکارآمدی به‌عنوان یک متغیر شخصیتی، نقش مهمی در رویارویی فرد با مسائل زندگی دارد و به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی پیش‌بینی‌کننده می‌تواند در موقعیت‌های تحصیلی و آموزشی، عاملی مؤثر باشد (کاپرا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۵). اصطلاح خودکارآمدی که بر نظریه شناختی-اجتماعی آلبرت بندورا (۱۹۹۷) مبتنی است به‌باور شخص در مورد این‌که چگونه به‌خوبی می‌تواند در تغییر موفق باشد، دلالت دارد. خودکارآمدی، توان‌سازنده‌ای است که به‌وسیله آن، مهارت‌های شناختی، اجتماعی، عاطفی و رفتاری انسان برای تحقق اهداف مختلف به‌گونه‌ای اثربخش، سازمان‌دهی می‌شود (پاستورلی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱). سبک فرزندپروری می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رشد روانی اجتماعی، عملکرد تحصیلی، رفاه و سلامت و حتی مشکلات رفتاری فرزندان در آینده باشد. به‌طور کلی میزان پاسخ‌دهی والدین پیش‌بینی‌کننده کفایت‌های اجتماعی و کارکردهای روانی اجتماعی است؛ درحالی‌که تقاضاهای والدینی با انجام فعالیت‌های مؤثر و کنترل رفتاریمانند عملکرد تحصیلی و مشکلات رفتاری رابطه دارد. ریشه بسیاری از مشکلات رفتاری و شخصیتی در کودکان را باید در الگوهای تربیتی والدین و ویژگی‌های آنان جستجو نماییم. هر یک از سبک‌های فرزندپروری تأثیر متفاوتی در توانایی اجتماعی، تحصیلی، و همچنین خصوصیات شخصی آینده کودک دارد (شکوهی، همکاران، ۱۳۸۹). یکی از این تأثیرات می‌تواند روی خودکارآمدی افراد خانواده به‌ویژه نوجوانان باشد. با توجه به کمبود پیشینه پژوهش در این زمینه و اهمیت نوع شیوه فرزندپروری در خودکارآمدی افراد، پژوهش حاضر به بررسی این مسئله پرداخته است که آیا سبک‌های فرزندپروری (مقتدرانه، استبدادی و سهل‌گیرانه) با خودکارآمدی دانش‌آموزان رابطه دارد؟

## روش

پژوهش حاضر به روش توصیفی از نوع همبستگی انجام گرفته است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مشغول به تحصیل در مقطع دبیرستان‌های شهر تهران در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بود.

جهت جمع‌آوری اطلاعات پس از هماهنگی با اداره آموزش و پرورش شهر تهران، به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از بین دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهر تهران تعداد ۱۲۰ نفر انتخاب گردید. در این مطالعه برای کاهش خطای نمونه‌گیری و جلوگیری از افت آزمودنی‌ها تا ۱۲۰ نفر افزایش داده شد. همچنین روش نمونه‌گیری نیز تصادفی خوشه‌ای بود بدین ترتیب که بر اساس فهرست اسامی دبیرستان‌های منطقه ۱ تهران، ۴ دبیرستان دخترانه دولتی و ۲ دبیرستان دخترانه غیر دولتی تعداد ۱۲۰ دانش‌آموز با انتخاب تصادفی تعیین شدند و با مراجعه به آن‌ها از هر پایه تحصیلی یک کلاس هر خوشه شامل ۲۰ دانش‌آموز بصورت تصادفی انتخاب شدند.

۱. Caprara

۲. Pastorelli



## [دومین همایش ملی روانشناسی مدرسه]

[اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی]

[دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی]

[۲۳ اردیبهشت ۹۵]



### ابزار پژوهش

پرسشنامه فرزند پروری یانگ (YPI): پرسشنامه فرزند پروری (یانگ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴) یک ابزار اولیه برای شناسایی ریشه های دوران کودکی طرح واره ها است. این پرسشنامه ۷۲ آیتم دارد که در آن پاسخ دهنده پدر و مادر خود را به طور جداگانه، بر اساس نوع رفتاری که با وی داشته اند، در یک مقیاس شش درجه ای رتبه بندی می کند. تمام سوالهایی که برای هر یک از والدین نمره ۵ یا ۶ داده شده مشخص می شود زیرا فرض بر این است که نمرات ۵ یا ۶ را می توان به احتمال قوی از نظر بالینی به عنوان نقطه برش ریشه های تحولی یک طرحواره خاص در نظر گرفت. تنها مورد استثناء سوالات ۱ تا ۵ است که ریشه های تحولی طرحواره محرومیت هیجانی را می سنجند و نمره گذاری آن برعکس است. در این مورد، نمره پایین نشان دهنده ریشه های والدینی طرحواره محرومیت هیجانی است. در این پرسشنامه برخلاف پرسشنامه طرحواره، اگر فقط یکی از سوالات مربوط به طرحواره، نمره بالایی داشته باشد، میتوان آن سوال را معتبر دانست خصیصه های، روان سنجی پس از تحلیل عاملی، آلفای کرونباخ با دامنه ۰/۹۱، ۰/۷٪ از نشان داد. هم چنین، نتایج بازآزمایی بیانگر اعتبار بالا بود و اعتبار سازه در حد قابل قبولی بود (یانگ، ۱۹۹۴). در ایران فرم اصلی این پرسشنامه توسط صلواتی ترجمه شده و سپس در ۶۲ دانشجوی ایرانی اجرا گردیده است. با استفاده از روش دو نیمه سازی، برای فرم مادر ضریب اعتبار ۰/۶۹ و برای فرم پدر ضریب اعتبار ۰/۸۰ به دست آمد (صلواتی، ۱۹۹۵).

پرسشنامه خودکارآمدی عمومی<sup>۲</sup> شرر: نمونه اصلی مورد مطالعه جهت ساخت آزمون شامل ۵۰۶ دانشجوی روانشناسی بود که مقیاس خودکارآمدی و شش اندازه شخصیتی را تکمیل کردند. ماده های آزمون برای اندازه گیری انتظارات خودکارآمدی عمومی مواردی مانند مهارت های اجتماعی یا شایستگی های حرفه ای است این موارد بر موضوعات زیر متمرکز است. الف (گرایش به آغازگری رفتار)، ب (تمایل به تکمیل رفتار)، ج (پافشاری در انجام تکالیف در صورت ناکامی). به هر ماده مقیاس خودکارآمدی عمومی از ۱ تا ۵ نمره تعلق می گیرد. مقیاس شرر دارای ۱۷ ماده بوده و هر ماده دارای ۵ گزینه است. بدین ترتیب ماده های شماره ۱، ۳، ۸، ۹، ۱۳، ۱۵ که بر حسب مقیاس لیکرت است به ترتیب نمراتی از ۵ الی ۱ می گیرند و بقیه آیتم ها یعنی شماره های ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۷ نمراتی از ۱ تا ۵ می گیرند. بدین ترتیب بالاترین نمره خودکارآمدی در این مقیاس ۸۵ و پایین ترین نمره ۱۷ می باشد. براتی ۱۳۷۶ جهت بررسی پایایی مقیاس خودکارآمدی از روش دو نیمه کردن ۷ و ۷۶٪ با طول / استفاده کرد. ضریب اعتبار آزمون از طریق روش اسپیرمن- براون با طول برابر ۰/۷۶ و آلفای کرونباخ یا همسانی کلی سوالات ۰/۷۹ به دست آمد که رضایت بخش بود (جهانی ملکی، ۱۳۸۸).

### نتایج

جدول ۱ مشخصه های آماری عامل های پرسشنامه شیوه های فرزند پروری و خودکارآمدی

۱ Young

۲ General Self Efficacy Scale



## [دومین همایش ملی روانشناسی مدرسه]

[اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی]

[دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی]

[۲۳ اردیبهشت ۹۵]



خودکارآمدی	شیوه‌های فرزند پروری			
	سهل گیرانه	مقتدرانه	مستبدانه	
۸۷/۱۱	۳۵.۱۰۵۷	۳۶.۲۸۲۹	۳۶.۱۴۲۹	میانگین
۱۰/۰۳۳	۸.۰۵۴۴۵	۱۱.۰۲۱۳۴	۵.۶۸۴۳۶	انحراف استاندارد
۰/۱۲۶	-۰.۶۳۳	-۰.۸۷۲	-۱.۴۸۷	چولگی
-۰/۰۰۹	.۲۷۵	-۰.۵۲۰	۲.۴۳۲	کشیدگی
۶۳	۷.۰۰	۱۲.۰۰	۹.۰۰	حداقل
۱۲۰	۴۹.۰۰	۴۹.۰۰	۴۲.۰۰	حداکثر
۲۷۷۸۹	۱۲۲۸۷.۰۰	۱۲۶۹۹.۰۰	۱۲۶۵۰.۰۰	جمع کل

چنان که در جدول ۱ نشان داده شده است، شاخص‌های آماری پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری مادران دانش‌آموزان محاسبه شده است. بیشترین ضریب پراکندگی در گروه مادران این گروه، مربوط به خرده مقیاس شیوهی فرزند پروری مقتدرانه است؛ این مقدار در مقایسه با ضریب پراکندگی خرده مقیاس‌های دیگر در گروه مادران دانش‌آموزان مقدار زیادی است که نشان می‌دهد نمرات افراد در خرده مقیاس شیوهی فرزند پروری مقتدرانه متجانس نیست. کمترین ضریب پراکندگی در گروه مادران این گروه، مربوط به خرده مقیاس شیوهی فرزند پروری مستبدانه است؛ این مقدار در مقایسه با ضریب پراکندگی خرده مقیاس‌های دیگر در گروه مادران این گروه کمتری است که نشان می‌دهد نمرات افراد در خرده مقیاس شیوهی فرزند پروری مستبدانه متجانس تر است. به منظور بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری (مقتدرانه، مستبدانه، سهل گیرانه) با مؤلفه‌های خودکارآمدی در دانش‌آموزان دختر از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

## جدول ۲ رابطه شیوه‌های فرزند پروری با خودکارآمدی

خودکارآمدی		
۰/۴۰۴**	ضریب همبستگی	مقتدرانه
۰/۰۰۰	معناداری	
-۰/۱۶۷*	ضریب همبستگی	مستبدانه
۰/۰۲۹	معناداری	شیوه‌های فرزند پروری
-۰/۰۹۹	ضریب همبستگی	سهل گیرانه
۰/۱۰۲	معناداری	





## [دومین همایش ملی روانشناسی مدرسه]

[اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی]

[دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی]

[۲۳ اردیبهشت ۹۵]



همان طور که در جدول ۲ نشان داده شده است خودکارآمدی با شیوه فرزند پروری مقتدرانه مثبت معنادار وجود دارد و با شیوهی فرزند پروری مستبدانه ارتباط منفی معنادار وجود دارد و همچنین با شیوهی فرزند پروری سهل گیرانه رابطه منفی دارد ولی این مقدار معنادار نیست. برای پیش بینی نمره خودکارآمدی بر پایه شیوه‌های فرزند پروری از رگرسیون چند متغیره استفاده شد. در زیر جداول تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی خودکارآمدی بر پایه شیوه‌های فرزند پروری را نشان می‌دهد.

### جدول ۳ ضریب همبستگی چندگانه شیوه‌های فرزند پروری با خودکارآمدی

شاخص	R	ضریب تبیین R	ضریب تبیین اصلاح شده	برآورد خطای معیار
خودکارآمدی	۰/۵۳۲	۰/۳۶۷	۰/۳۲۳	۸/۳۲۵۹۲

همانطور که جدول ۳ نشان می‌دهد ضریب همبستگی چندگانه بین شیوه‌های فرزند پروری و خودکارآمدی برابر ۰/۶۳۸ است. ضریب تبیین اصلاح شده نیز حاکی از آن است که ۳۲ درصد تغییرات خودکارآمدی ناشی از متغیر پیش‌بین است و این ضریب در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار است.

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های فرزند پروری با خودکارآمدی صورت گرفت. نتایج حاکی از آن بود که خودکارآمدی با شیوه فرزند پروری مقتدرانه ارتباط مثبت معنادار وجود دارد و با شیوه فرزند پروری مستبدانه ارتباط منفی معنادار وجود دارد و همچنین با شیوه فرزند پروری سهل گیرانه رابطه منفی دارد، ولی این مقدار معنادار نیست. این یافته با نتایج پژوهش یوسفی (۱۳۸۶) همسو می‌باشد. یوسفی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان ارتباط سبک فرزند پروری والدین با مهارت‌های اجتماعی و جنبه‌هایی از خودکارآمدی دانش‌آموزان دبیرستانی به این نتیجه رسید که در فرهنگ ایرانی، ادراک از خانواده به‌عنوان قاطع و یا مستبد، پیش‌بینی کننده رفتارهای غیر اجتماعی، پرخاشگری و رفتارهای تکانشی افراد؛ و ادراک از خانواده به‌عنوان صمیمی و حمایت کننده، پیش‌بینی کننده تمامی جنبه‌های خودکارآمدی دانش‌آموزان است. همچنین از پژوهش‌های همسو با نتایج تحقیق حاضر می‌توان به پژوهش کشاورز و بهارودین (۲۰۱۲) اشاره کرد، در این مطالعه مشخص شد که شیوه فرزند پروری مقتدرانه با منبع کنترل درونی و خودکارآمدی بالا رابطه دارد که این موضوع نشانگر اهمیت شیوه فرزند پروری و تبعات بعدی آن در زندگی افراد است. به عقیده بندورا تبیین و پیش‌بینی عملکردها و باورهای خودکارآمدی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین عوامل در تبیین رفتارهای انسانی محسوب می‌شود (بندورا، ۱۹۹۷). استدلال‌های کلیدی بندورا (۱۹۹۷) درباره نقش باورهای خودکارآمدی در عملکرد انسان این است که سطح انگیزه، شرایط مطلوب و اعمال افراد بیشتر بر پایه آنچه که آن‌ها اعتقاد دارند، قرار دارد تا آنچه که واقعاً درست است. به همین خاطر چگونگی رفتار انسان می‌تواند به ویله باورهای که در مورد توانایی‌هایشان دارند بهتر پیش‌بینی شود تا به‌وسیله آنچه که واقعاً قادر به انجام دادن آن هستند. بر پایه شواهد تجربی و پژوهشی باورهای خودکارآمدی از عوامل تعیین کننده رفتار در روابط بین فردی، تصمیم‌گیری در فرصت‌های متفاوت موجود، انتخاب راه‌حل‌های مناسب در شرایط روانی



## [دومین همایش ملی روانشناسی مدرسه]

[اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی]

[دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی]

[۲۳ اردیبهشت ۹۵]



بحرانی و فشارزا در بسیاری از موقعیت‌های پیشرفت است. (فولاد چنگ، ۱۳۸۲). در مجموع می‌توان گفت که شیوه فرزند پروری سالم از قبیل شیوه مقتدرانه فضای سالم و ایمنی را برای رشد خودکارآمدی در افراد فراهم می‌نماید. از آنجا که روش تحقیق حاضر توصیفی - همبستگی بود، نمی‌توان روابط به دست آمده از آن را علت و معلولی قلمداد کرد. علاوه بر محدودیت روش شناختی مذکور، جامعه مورد مطالعه نیز که عبارت از دانش‌آموزان بود وسعت تعمیم نتایج به سایر جوامع را محدود می‌سازد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر نیاز است که مدیران و مسئولان آموزش و پرورش جهت افزایش میزان خودکارآمدی، بر نقش شیوه فرزندپروری توجه کنند و در قالب کارگاه‌های آموزشی با دعوت از والدین دانش‌آموزان انواع شیوه‌های فرزندپروری و اثرات آن را روی کودکان آموزش دهند.

### منابع

- شکوئی، محسن و همکاران (۱۳۸۹). مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری. تربیت اسلامی شماره ۳۰، ص ۱۲۸.
- احمدی خدابخش، ۱۳۸۷. تأثیر نظارت خانوادگی بر سلامت روانی-اجتماعی فرزندان. چکیده مقالات سومین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده، ص ۱۵۷.
- باقری، مسعود (۱۳۷۲). بررسی رابطه شیوه فرزند پروری با انگیزه پیشرفت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران.
- کارگر شولی، هدایت؛ پاک‌نژاد، فاطمه (۱۳۸۲). خانواده نخستین عامل تأثیر گذار بر هویت دانش‌آموزان. ویژه نامه مجله دانشگاه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی.
- براتی، سیامک (۱۳۷۶). بررسی رابطه خود اثربخشی، عزت نفس و خودپایایی در میان دانش‌آموزان سوم دبیرستان پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران.
- یوسفی، فریده (۱۳۸۶). ارتباط سبک فرزند پروری والدین با مهارت‌های اجتماعی و جنبه‌هایی از خودپنداره دانش‌آموزان دبیرستانی دانشور رفتار، (۲۲) ۱۴، ۳۷-۴۶.
- فولاد چنگ، محبوبه (۱۳۸۲). بررسی باورهای خودکارآمدی دختران دانش‌آموز استان فارس و ارائه راهکارهای مناسب. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

Bandura, A. Perceived self-efficacy in cognitive development and functioning. *Education psychology* ۱۹۹۳; ۲۸(۲):۱۱۷-۴۸.

Bandura, A. (۱۹۹۷). *Self-efficacy in changing societies*. Cambridge. New York. Cambridge university press.

Caprara, G. V., Pastorelli, C., Regalia, C., Scabini, E., & Bandura, A. (۲۰۰۵). Impact of adolescents' filial self-efficacy on quality of family functioning and satisfaction. *Journal of Research on Adolescence*, ۱۵, ۷۱-۹۷.

Hardy, D. F. Power, T. G.; and Jeadicke, S. (۱۹۹۳). 'Examining the relation of parenting to childrens coping with every day stress,' *child development*. vol, ۶۴ p. ۱۸۴۱.

Keshavarz, S., & Baharudin, R. (۲۰۱۲). The moderating role of gender on the relationships between perceived paternal parenting style, locus of control and self-efficacy. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, ۳۲, ۶۳-۶۸.

Pastorelli C, Caprara GV, Barbaranelli C, Rola J, Rozsa S, Bandura A. The structure of children's perceived self-efficacy. *European Journal of Psychological Assessment* ۲۰۰۱; ۱۷ (۲): ۸۷-۹۷.



[دومین همایش ملی روانشناسی مدرسه]

[اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی]

[دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی]

[۲۳ اردیبهشت ۹۵]



Salavati M. Early maladaptive schemas in the risk for bipolar spectrum disorders [Dissertation]: Tehran Psychiatric Institute; ۱۹۹۵. [Persian].

